

# بررسی تاریخی کشف حجاب

کفت وگو با: هاشم آقاجری

(ضمیمه) کارگزاران، ش ۶۷۲، ۱۰/۷/۱۳۸۷

**چکیده:** آقای آقاجری در پارهای از سخنانش، بر این باور است که کشف حجاب، به علت این‌که اجباری و فرمایشی بود، با مقاومت زنان ایرانی مواجه شده و ناموفق گردید. وی در ادامه اظهار می‌کند جامعه ما از لحاظ حقوق زنان آسیب‌پذیر است، آموزه‌های دینی ما درباره حقوق زنان تحت تأثیر جامعه مرد سالارانه قرار دارد. وی در پایان تأکید دارد، حقوقی که ۱۳۰۰ سال پیش برای زن در نظر گرفته شده، باید براساس مناسبت‌های اجتماعی و اقتصادی دگرگون شود.

○ برخی از تاریخ‌نویسان کشف حجاب رضاخان را، یک پروژه تجدد آمرانه ارزیابی می‌کنند و بر این باورند که او می‌خواست از بالا یک تجدد اجباری و مدرنیته ظاهری را، در جامعه حاکم کند. آیا چنین دیدگاهی درست است یا تحلیل دیگری می‌توان از کشف حجاب رضاخانی ارائه داد؟

● ببینید در کل، مدل توسعه‌ای که رضاخان دنبال کرد، مدلی بود که پروژه مشروطه در دستور کار داشت. مشروطه در واقع یک انقلاب از پایین در واکنش به شکست اصلاحات از بالا بود، اما مشروطیت هم دچار بحران شد و این خواست به وجود آمد که شرط ضروری هر گونه اصلاحاتی وجود یک دولت مقتدر مرکزی است و نتیجه این خواست هم رضاخان را به قدرت رساند، لذا الگوی توسعه رضاشاهی یک توسعه آمرانه بود. در فاصله سال‌های ۱۲۸۵ تا ۱۲۹۹ می‌بینید که جامعه ایران از پایین، دست‌اندرکار تجربه تازه‌ای بود که به دلیل

بازتاب اندیشه ۱۰۶

۵۴  
بررسی  
تاریخی  
کشف حجاب

نارسایی‌ها و مشکلات داخلی و فشارهای بیرونی ناکام ماند.

رضاشاه از زمانی که به سلطنت رسید، تمام نهادهای مشروطیت برجسته شد و سرانجام پارلمان هم تبدیل به یک نهاد بی‌محتوا شد که در اختیار شاه بود. روح مشروطیت از بین رفت. کشف حجاب را باید در این مدل ببینیم. رضاشاه مدرنیزاسیون بدون مدرنیته را می‌خواست. جوهر مدرنیته، آزادی و خودفرمانی انسان است، اما کشف حجاب، مدرنیته ظاهری بود.

به نظر من نه حجاب را می‌توان پروژه‌ای برای مدرنیزاسیون زن ایرانی نگاه کرد و نه الزاماً حجاب داشتن را می‌توان نشانه‌ای از عقب‌ماندگی و ضدیت با مدرنیته تلقی کرد. او می‌خواست به جهان نشان دهد که ایران در حال اقتباس الگوی غربی است و به ویژه در ترکیه آتاتورک این کار را کرده بود.

○ به اعتقاد شما کشف حجاب، هیچ تأثیری در مدرنیزاسیون جامعه ایرانی و بهبود شرایط زنان نداشت و یک پروژه ناموفق بود؟

● از نگاه من کشف حجاب نوعی انحراف و وقفه در پروسه طبیعی مدرن شدن زن ایرانی ایجاد کرد. زنان ایرانی قبل از رضاشاه، تجربه‌ی نوسازی را شروع کرده بودند. آنها بر این باور بودند که ما می‌توانیم بدون کشف حجاب و ظاهر‌نمایی، پا به پای زنان ترقی‌خواه حرکت کنیم. به اعتقاد من آن پروژه در جامعه سنتی ایران بهتر جواب می‌داد، اما کشف حجاب موجب شد، یک عکس‌العملی از ناحیه جامعه سنتی به وجود بیاید و خانواده‌های ایرانی چنین تلقی کردند که بچه‌ها در بیرون از خانه و در مدارس و جامعه، بی‌عفت می‌شوند و هنجارهای سنتی و مذهبی به خطر می‌افتد.

برای همین جامعه سنتی به لاک دفاعی رفت. همین باعث شد بخش اعظمی از زنان، به جز زنان اشرافی و طبقه‌های نزدیک به حکومت که در پروژه کشف حجاب شرکت کردند، نه تنها این مسأله را نپذیرفت بلکه آن را پس زد. کشف حجاب، اکثریت زنان ایران را از مشارکت در نوسازی شرایط و بهبود وضعیت خودشان محروم کرد. البته این را هم بگویم که وضعیت زنان ما، قبل از مشروطه و در دوران مشروطه هم چندان مساعد نبود. فرهنگ سنتی ما فضای جامعه را به دو بخش مردانه و زنانه تقسیم‌بندی کرده بود. زنان در خانواده و عرصه خصوصی و مردان در عرصه عمومی. یک جامعه بسته سنتی و براساس تلقی جنسیتی نابرابرانه. زنان ما، قبل از مشروطه در عرصه عمومی نبودند، از لحاظ علمی بی‌سواد و در

خانواده تابع بودند. فقه سنتی ما هم بر این مسأله تأکید می‌کرد. در همین حال مشروطه وارد حوزه حقوق سیاسی زنان نشده بود. زنان حق رأی نداشتند، البته در آن سال‌ها هنوز در بسیاری از کشورهای دنیا وضعیت این‌گونه بود. اما من برخلاف جناب آجودانی بر این باورم که کار مشروطه‌خواهان، کار بزرگی بود و جامعه ایرانی راهی جز این نداشت. جامعه ایرانی نمی‌توانست راه آخوندزاده را برود و دین و اعتقاداتش را و حتی الفبا را کنار بگذارد. این پروژه جواب نمی‌داد. مشروطه‌خواهان با سنت دینی و مذهبی، نگاه نوگرایانه کردند و در این راه پیشرفت زنان هم مستلزم بی‌حجابی نبود.

○ یک واقعه تاریخی برجسته هم در اعتراض به این روند کشف حجاب داریم؛ مسجد گوهرشاد. از نگاه شما آیا آن واقعه تأثیر بر حجاب زن ایرانی داشته است؟ چرا که گفته می‌شود چادرهای سیاه پس از این واقعه، برای زنان ایرانی می‌ماند.

● واقعه مسجد گوهرشاد، در واقع پدیده کشف حجاب را تکمیل کرد. اوج عمل سرکوب‌گرایانه و اجبارآمیز برای تحمیل یک نرم حکومتی، پدیده گوهرشاد بود. در واقع مسجد گوهرشاد به یک سمبل برای خشونت رژیم تبدیل شد. در درجه اول، در تحمیل حجاب و بعد تعمیم به یک رژیمی داده شد که علم جنگ با اسلام را برداشته و برای سرکوب، قشون‌کشی می‌کند. در واقع گوهرشاد یک خاطره و زخم بزرگی ایجاد کرد. اما این اجبارها تا پایان دوره رضاشاهی ادامه پیدا کرد.

در حالی که تجربه رئیس‌علی دلواری و دلبران تنگستان را داریم که با تفنگچی‌های محلی‌اش مقاومت و ایستادگی در برابر قشون انگلیسی می‌کنند. این تفاوت دو تجربه توسعه از پایین و دموکراتیک با پروژه توسعه آمرانه است. تا وقتی که بین ملت و حاکمیت شکاف وجود داشته باشد، یک همبستگی دو جانبه شکل نمی‌گیرد. تا زمانی که وجود دارد، این شکاف جامعه ایرانی نمی‌تواند از بن‌بست خارج شود. حتی متوسل شدن به قوای قهریه هم نمی‌تواند این شکاف را پر کند.

○ حجاب در جامعه ایرانی همچنان مسأله است و هنوز تعریفی از حجاب ارائه نشده است و به نظر می‌رسد یک مسأله سلیقه‌ای است.

● شما وقتی از حجاب صحبت می‌کنید، دو نگاه می‌توانید داشته باشید. یکی زنانگی زن و این که این را در ستر ببینانید تا دچار فساد نشود. این نگاه کالایی به زن است و یکی هم به شأن نزول آیات و احکام اسلام نگاه کنیم و ببینیم که حجاب چیست. البته در اسلام واژه حجاب

نیست، بلکه ستر است به معنای پوشش. اگر شأن نزول آیات و احکام حجاب را بررسی کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که مسأله حجاب در اسلام به زنانگی ارتباط نداشت، بلکه یک منزلت اجتماعی برای زنان مسلمان آزاده است. حتی شما می‌بینید که کنیزان مسلمان و غیر مسلمان منع از حجاب داشتن نبوده‌اند؛ چرا که حجاب منزلت و شأن بوده است.

مسأله پوشش اساساً یک ماهیت اجتماعی و منزلتی داشته تا جنسیتی. حتی شما در فقه سنتی ما می‌بینید که زنان اهل کتاب الزامی ندارد به این که حجاب داشته باشند. پوشش یک مسأله کاملاً عرفی است و در هر جامعه بستگی دارد به عادت‌های ذهنی و رفتاری، اما متأسفانه در فرهنگ سنتی ما، تلقی نخستین از زن، وجه جنسیتی اوست.

○ شما تأکید بر سنت و فرهنگ دارید، در حالی که فرهنگ ما، برگرفته از مذهب ماست. خیلی از این موارد که در فرهنگ ما مطرح می‌شود، مسأله مذهبی است.

● خود مذهب یک پدیده متغیری است. فرهنگ و مذهب یک رابطه دیالکتیکی دارند. یعنی همان اسلام نخستینی که پیامبر وارد جامعه خود کرد، آن جامعه یک فرهنگ داشت و در تعامل با اسلام یک سنتز و فرهنگی به وجود آورد. همان طور که اسلام وقتی وارد ایران شد، باز یک رابطه دیالکتیکی با فرهنگ ایرانی داشت و یک سنتز به وجود آورد. این یک سنتز واحد نیست. به اندازه مذاهب اسلامی ما سنتز داشتیم. من قبول دارم که فرهنگ و سنت ما از مذهب ما گرفته شده است، اما اینها یک سر مشق غالبی است که در فرهنگ و مذهب ما به یک پارادایم ثابت تبدیل شده است. اما سؤال این است که آیا این از سرچشمه و زمان پیامبر ﷺ است یا نه، ما شاهد تداخل عوامل گوناگونی هستیم که این نتیجه را به بار آورده است.

بر اساس فرهنگ ما، زن در خانه وظیفه دارد که فقط خدمات به مرد ارائه کند، اما در رسائل فقه‌های سنتی ما، زن هیچ وظیفه‌ای در خانه در مقابل مرد ندارد جز تمکین جنسی و اطاعت هم فقط در همان چارچوب است. حال اگر یک زن در خانه غذا نیاورد، بچه‌داری نکند، طبق فرهنگ ما عدم تمکین است، اما بر اساس گفته فقه‌های سنتی، او وظیفه‌ای ندارد. مسأله این است که جامعه و فرهنگ ما مردسالار است. در یک جامعه مردسالار، فرهنگ و مذهب هم مردسالار می‌شود. زن حق خروج از خانه بدون اجازه شوهر ندارد، حق تحصیل و حق کار ندارد. زن نمی‌تواند قاضی و مرجع تقلید باشد. در حوزه سیاسی تا قبل از انقلاب زن‌ها حق نمایندگی نداشتند. هنوز هم هستند علمایی که نمایندگی زنان را حرام می‌دانند، همان طور که موسیقی را حرام می‌دانند. سنتی‌های افراطی معتقدند که زن‌ها (همان‌گونه که

آیت‌الله بروجردی اولتیماتوم به شاه داد) حق رأی ندارند. هنوز رجولیت را شرط خیلی از چیزها می‌بینند، اما این یک تفسیر است. می‌بینیم امروز برخی از فقها با شجاعت فتوا داده‌اند که تمام این نابرابری‌ها قابل حل است و در واقع زن و مرد برابر هستند.

○ حجاب در قوانین ما دیده شده است؟

● نه! قانونی که حجاب را تعریف کند، من ندیده‌ام. به هیچ وجه مسأله حجاب حکومتی نیست، هیچ دلیلی نداریم که بگوییم حکومت با قوه قهریه، حجاب بر سر زنان بکند یا بردارد. حجاب یک مسأله اعتقادی مذهبی وجدانی است و زنانی که مؤمن هستند و خود را مخاطب قرآن می‌دانند با این مسأله روبه‌رو هستند و ضمانت اجرایش و خاستگاهش هم ایمان مخاطب است. حجاب یک مسأله اجتماعی است و برای شرایط منزلتی خاص به وجود آمده است. اگر اجباری شود، تا وقتی زور هست حجاب هم هست و زور که رفت حجاب هم نیست یا عکس این واقعه.

وقتی موقعیت زنان به صورت واقعی ارتقا پیدا کند و برابری را به رسمیت بشناسند، این برابری قبل از پوشش خود را در عرصه‌های دیگر نشان می‌دهد. مشکل زنان ما الان این است که از امکانات نابرابر برخوردارند. در برابر کار برابر، مزد برابر نمی‌گیرند. حق طلاق و حضانت ندارند. الان در دانشگاه‌ها هم که در یک رقابت علمی جلو افتاده‌اند، متأسفانه یک تبعیض منفی به ضرر زنان وارد شده و برای آنها سقف گذاشته است. متأسفانه مشکلات زنان فرودست ما بسیار بیشتر از زنان برخوردار است. در خانواده فقیر بیشترین فشار به زن وارد می‌شود. اینها مسأله است نه حجاب و بدحجابی. اگر مسأله فقط جنسیتی است، چرا در بقیه امور مانع ایجاد می‌شود و سد علمی می‌گذارند؟ جامعه ما هم از لحاظ حقوق و فرهنگی و هم اجتماعی برای زنان بسیار آسیب‌پذیر است و باید برای اینها تدبیری اندیشید تا این عارضه تاریخی از بین برود.

○ الان بخشی از خواست‌های زنان ما با مشکل تعارض با دین روبه‌رو است. آیا می‌شود با تفسیر نوگرایانه و آنچه که فقه پویا خوانده می‌شود، این تضادها و شکاف‌ها را برطرف کرد؟

● بله! ما اگر در واقع دین‌شناسی و متدولوژی شناخت را اصلاح کنیم و مبانی تازه‌ای را طرح کنیم، این مسائل قابل حل است. آن متدولوژی مربوط به آن دوره بود و امروز شرایط جدیدی داریم و باید براساس هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و... در تمام عرصه‌ها نوسازی و اجتهاد کنیم. اینها همه معطوف به یک هدف است که آن هم رشد جامعه انسانی است و باید زن و مرد

به عالی‌ترین مرحله تکامل فکری و اخلاقی برسند. تاریخ بشری در حال تحول و تکامل است. بشر امروزی با بشر هزار سال پیش متفاوت است. شما تربیت و تحصیل را در گلستان سعدی ببینید. آیا امروز هم جواب می‌دهد؟ اینها ابزار هستند که با مرور زمان باید عوض شوند و معنای اجتهاد و نوسازی این است. اگر یک قرائت بصری و امروزی مبتنی بر رشد و تکامل انسان فرهنگ داشته باشیم، به این نتیجه می‌رسیم که حقوق و قانون، ارثی و ابدی نیستند.

○ اما برخی از این موارد، نص صریح دینی است. یعنی بر این باورند که باید دین را آن‌گونه که هست پذیرفت و نه این که بخشی را که خوشمان آمد بپذیریم؟

● ما معتقدیم خداوند حکیمانه سخن می‌گوید و وقتی دستور می‌دهد، برای تحقق هدفی است و اگر غیر از این باشد عبث می‌شود. برای همین است که علم تفسیر به وجود آمد و الاً اگر ما با یک ظاهرگرایی ساده و عامیانه قرار بود با قرآن و کلام خدا برخورد کنیم، این همه رشته‌های علمی فقه و کلام و تفسیر به وجود نمی‌آمد. ما هیچ کتابی را بدون تفسیر نمی‌توانیم بپذیریم. مگر در قرون گذشته قرآن تفسیر نمی‌شد؟ اصول فقه برای چه به وجود آمد؟ اصول فقه بسیاری از مبانی‌اش از منطق ارسطویی است. فقیه‌های مسلمان و متکلمان احساس می‌کردند برای فهم قرآن، نیازمند به روش‌ها و مبانی هرمنوتیکی و تفسیری هستند. ما باید بفهمیم اگر خداوند امروز می‌خواست امر کند به چه امر می‌کرد و اگر امروز پیامبر مبعوث می‌شد، از من می‌خواست چگونه باشم؟ آیا شرایط امروزی همان شرایط اول اسلام است؟ این که الان ما چه نظام حقوقی داشته باشیم؟ حقوق جدای از یک جامعه که نیست. مبانی که اسلام دربارهٔ زنان مطرح می‌کند، براساس برابری است، برخلاف سایر مذاهب. شما می‌بینید آدم و حوا هر دو با هم گمراه می‌شوند. روایت تورات این است که شیطان اول حوا را گمراه می‌کند و حوا آدم را، اما در قرآن هر دو با هم گمراه می‌شوند. پیامبر تنها توانسته این نابرابری‌ها را ملایم کند، نمی‌توانسته یک مرحله چشم ببندد و همه راز بین ببرد. از بین بردن این نابرابری‌ها هم نیازمند فرآیند بلندمدتی است که تا به امروز طول کشیده و امروز احساس می‌شود که باید این نابرابری‌ها را برداشت. شما نگاه کنید در تفکرات بزرگان لیبرالیسم قرن نوزدهم، هنوز تفکر نابرابری در افکار استوارت میل و ژان ژاک روسو... هست اینها به چشم می‌آید. تعریف آنها از بشر، مفهوم خاصی است. بشری که متفکران لیبرال قرن نوزدهم مطرح می‌کنند، عمدتاً حول محور مرد سفیدپوست اروپایی بورژواست. اما امروز چطور؟ اصلاً

منطقی نیست که ما بپذیریم یک لباس حقوقی که ۱۴۰۰ سال قبل برای یک جامعه کوچک ساخته شده، تن جامعه امروزی کنیم. پس چرا مناسبت‌های اقتصادی جامعه عوض شده است و آن مناسبات اولیه صدر اسلام نیست؟ اگر فهمان را از اسلام نو کنیم و بدانیم که به جز اصولی مثل توحید و اصول اساسی اخلاقی و غایت و اهداف نهایی دین که تغییر نمی‌کند، سایر قوانین و احکام، حقوق، هنجارها و مناسبات متغیر هستند. در اسلام براساس انسان‌شناسی و هستی‌شناسی و غایت اهداف نهایی دین، بن مایه‌های برابری وجود دارد و امروزه درست است که دیگر پیامبری نمی‌آید، اما عقل انسان به مرحله‌ای رسیده که بتواند از آموزه‌های پیامبران الهام بگیرد و به این نابرابری‌ها پایان دهد.

## ● اشاره

امیرعلی حسینی

۱. کشف حجاب یک مسأله فرهنگی و استعماری بود که رضاخان پس از مسافرت به ترکیه به تقلید از آتاتورک آموخت<sup>۱</sup>. براساس اسناد تاریخی، فروغی که دست‌نشانده انگلیس در ایران بود، این مسائل را به رضاخان دیکته می‌کرد تا او درصدد برآمد آن را به عنوان قانون به جامعه دینی ایران تحمیل کند. رضاخان با هدف دین‌زدایی و مبارزه با شعارها و نمادهای دینی، این تصمیم را گرفت.<sup>۲</sup>

۲. واقعه و حادثه تاریخی گوررشاد، سمبل و نماد مقاومت مردمی به رهبری روحانیت در مقابل دین ستیزی رضاخانی بود. زنان مسلمان ایران، با پایبندی به دستور شرع مقدس، تن به نالت بی‌حجابی ندادند.<sup>۳</sup> رضاخان با اقدامات ضد دینی پایگاه مردمی خود را از دست داد، به همین جهت بود که وقتی توسط انگلیسی‌ها از قدرت خلع شد، از هیچ حمایتی برخوردار نشد، اما همین مردم در جریان اشغال ایران توسط استعمارگران، به مبارزه برخاستند و برای رسیدن به استقلال با آنان جنگ کردند.<sup>۴</sup>

۳. توسعه‌ای که مدنظر آقای آقاچری است، در شعار هیچ یک از طیف‌های مشروطه‌خواهان وجود نداشت. مشروطه‌طلبان دو دسته بودند، با اهداف مشترک و سلاقی مختلف. یکی از اهداف مشترک مشروطه‌خواهان، از بین بردن استبداد و قطع دخالت بیگانگان در امور سیاسی و اقتصادی و تأسیس مجلس یا عدالت‌خانه و مهار قدرت

بازتاب اندیشه ۱۰۶

بررسی  
تاریخی  
کشف حجاب

۱. مدنی، سیدجلال‌الدین، تاریخ سیاسی معاصر، ج ۱، ص ۲۴۳.

۲. فردوس، حسین، خاطرات، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۸۴ و ۹۵.

۳. همان، ص ۶۸ و مدنی، همان، ج ۱، ص ۲۴۵.

۴. مدنی، همان، ج ۱، صص ۱۵۱-۱۶۹.

مطلقه شاه بود. چنانچه به مذاکرات و درخواست‌های اولین گروه‌های مشروطه‌خواهان که جمعی از آنها علما و رهبران مذهبی ایران و از مراجع نجف بودند توجه شود، از مسأله توسعه به معنای آنچه که مدنظر ایشان است، اثری وجود ندارد. در فرمان مشروطیت که توسط مظفرالدین شاه اعلام گردید و در افتتاح مجلس اول مشروطه قرائت شد، نیز چنین مسأله‌ای که برداشت شده، وجود ندارد.<sup>۱</sup> مشروطه‌خواهان دسته دوم، تعدادی از علمای مشروطه خواه بودند که خواستار نظارت علما بر قوانین مصوب و قطع دخالت استعمارگران در جریان مشروطه ایرانیان و جلوگیری از انحراف مشروطه از اهداف علما بودند.<sup>۲</sup> بنابراین در هیچ یک از خواسته‌های مشروطه‌طلبان سخنی از دموکراسی، و توسعه مورد نظر آقای آقاجری نبود.

۴. در قضیه کشف حجاب رضاخان که نتیجه استبداد و خودکامگی وی بود و مبارزه با استعمار، روحانیت پیشتاز و پیشرو بودند و مردم به لحاظ باورهای دینی عمیق، پشتیبان مرجعیت و علما بوده و با تشکیل گروه‌های چریکی نظیر دلبران تنگستان به فرماندهی رئیس علی دلواری و پشتیبانی علمای بزرگ در مقابل استبداد و استعمار، پایداری و جهاد کردند. از این رو، قیام رئیس علی دلواری در مقابل استعمارگران و فزون‌خواهی آنان که در پی ایجاد شکاف در جامعه ایران بودند، برخاسته از همبستگی و عرق دینی بود. کشف حجاب رضاخانی نیز در جامعه منسجم دینی ایران، ایجاد شکاف و گسل می‌نمود، که در پی اجرای اهداف استعمارگران مطرح گردید. همبستگی جامعه ایران در طول تاریخ، به‌ویژه پس از صفویه، معلول عناصری چند از جمله مذهب بود. استعمارگران و عامل مستبد و خودکامه آنان (رضاخان و پسرش) در طول چند دهه به نام اصلاحات با طرح‌های مختلف در پی گسستن آن برآمدند. به همین لحاظ از محور ارزش‌های دینی و عقاید اصولی مردم آغاز کردند. تجربه‌ای که در ترکیه به اجرا گذاشتند تا مرکز جهان اسلام (آن دوره) را تبدیل به کشوری لائیک نمایند.

۵. هیچ‌گاه حجاب در طول تاریخ اسلام و جامعه ایران مسأله مبهم و نامفهوم تلقی نشده است و شاهدش این‌که حجاب اگر برای عرف (جامعه ایران) نامفهوم بود و غیرقابل قبول می‌نمود، در قضیه کشف حجاب، نیاز به واکنش و امتناع مردم از دستور دولتی نبود تا منجر به قیام گوه‌رشاد شود و در سایر شهرها ده‌ها شهید در این راه تقدیم گردد.

۶. حجاب و ستر دو واژه مترادفند که هر یک در مورد خاصی استعمال و کارایی دارند. ستر در فرهنگ دینی اعم از حجاب ویژه بانوان بوده است. از نظر عرف جامعه اسلامی ایران، حجاب به پوشش کامل بانوان اطلاق شده و هیچ ابهامی در این مسأله وجود ندارد.

۱. ر.ک: ملک‌زاده، مهدی، تاریخ مشروطه، ش ۶، ر.ک: غلامحسین زرگری‌نژاد، رسائل مشروطه، رساله حرمت مشروطه، ص ۱۶۶. ۲. همان.



۷. از آن رو مخاطب اول آیات حجاب، خانواده پیامبر است که روش وحی الاهی چنین اقتضا می‌کند، چنان‌که در آغاز وحی، خداوند به پیامبر ﷺ دستور می‌دهد ابلاغ رسالتش را از خانواده و خویشان خود آغاز کند<sup>۱</sup> و اصلاح را از پیرامون خود شروع کند؛ آیا می‌توان گفت که ایمان به خدا و مسأله توحید نیز، امر منزلتی است؟ بنابراین فلسفه آغاز اجرای قانون حجاب از خانواده پیامبر ﷺ<sup>۲</sup> جهت الگو شدن برای دیگر مؤمنان و عملی شدن بهتر قانون حکومتی پیامبر بود تا نشان داده شود که قانون الاهی حجاب، عام و فراگیر بوده و از این رو از خانواده پیامبر ﷺ آغاز می‌گردد، چنان‌که در سوره نور آیه ۳۱ خطاب آیه عام است «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ ... وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ...».

۸. در قسمتی از سخنان ایشان از پوشش (حجاب) به عنوان یک مسأله عرفی یاد شده، اما این برداشت مغایر آیات قرآن<sup>۳</sup> و سایر کتب مقدس دینی است<sup>۴</sup> که پوشش را امری ذاتی و فطری برای انسان معرفی کرده‌اند.

براساس گواهی تاریخ، بانوان ایران قبل از اسلام نیز سخت پایبند پوشش و حجاب بودند؛ چنان‌که آثار و کتیبه‌های برجای مانده از عهد ساسانی، گویای آن است که براساس آیین زرتشت، زنان با نامحرمان ارتباط نداشتند.<sup>۵</sup>

کنت دوگوبینو معتقد است حجاب شدیدی در دوره ساسانی بود که بالاتر از پوشیدگی است و حاکی از پشت پرده بودن زندگی زن است؛<sup>۶</sup> اما دین اسلام با بازداری از افراط و تفریط و جلوگیری از برخورد تحقیرآمیز با زن، این رسوم را برانداخت و حقوق زنان را احیا کرد.

۹. جناب آقای آقاجری در قسمتی از سخنانش مدعی است که مذهب یک پدیده متغیری است؛ در پاسخ باید گفت ادیان و مذاهب دارای سه مؤلفه و اصول هستند:  
(الف) اصول ثابت و بنیانی (اصلی)؛ (ب) اصول فرعی غیر متغیر؛ (ج) اصول فرعی متغیر و منعطف.

بنابراین به طور مطلق نمی‌توان گفت مذهب یک پدیده متغیر است، چنان‌که آقای آقاجری خود در پایان سخنش، گفتار اولیه خود را نقض کرده و معترف است: «برخی از اصول اساسی و اخلاقی و غایت و اهداف نهایی تغییر نمی‌کند» بر این اساس نمی‌توان

۱. «اندر عشیرتک الاقرین» شعراء (۲۶): ۲۱۴، نک: تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۱۹؛ بلاذری، انساب الاشرافه ج ۱، ص ۱۱۸.

۲. آیات سوره احزاب، نظیر آیه ۳۲ و ۳۳.

۳. اعراف (۷): ۲۲؛ آنگاه که آدم و حوا از درخت ممنوعه خوردند، پوشش آنها از دست رفت و عورتشان نمایان شد، بلافاصله به پوشاندن خود روی آوردند.

۴. تورات، سفر پیدایش، باب ۳، آیات: ۶-۸ و ۲۰-۲۱.

۵. کریستن سن، ایران در زمان ساسانی، ترجمه: یاسمی، ص ۳۱۹.

۶. کنت دوگوبینو، سه سال در میان ایرانیان، ص ۸۲.

گفت مذهب امری متغیر و متأثر از فرهنگ جامعه است؛ به همین جهت پیامبر اسلام ﷺ براساس آیات قرآن بسیاری از آداب و رسوم جامعه جاهلی عربستان و سایر مناطق را مردود شمرد<sup>۱</sup> و بخشی از آن را نیز با اصلاحات روشمند و ساختاری امضا کرد.<sup>۲</sup>

۱۰. در بخشی از گفتار ایشان چنین آمده: «براساس فرهنگ ما زن در خانه وظیفه دارد خدمات به مرد ارائه کند، درحالی که در رسائل فقهی سنتی ما، زن هیچ وظیفه‌ای در خانه در مقابل مرد ندارد، جز تمکین جنسی و اطاعت هم در همان چارچوب...» وی با طرح این مسأله بر این باور است که بین فرهنگ مردم و دین در این زمینه تعارض وجود دارد. اما به نظر می‌رسد در زمینه همیاری زن و مرد و تقسیم امور، جدای از برخی جزئیات، آنچه در جامعه وجود دارد، برگرفته از سیره اهل بیت و نگرش نبوی است. چنان‌که معروف است پیامبر با تقسیم کار میان امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام کارهای منزل را به عهده دخترش و بیرون منزل را به عهده علی علیه السلام گذاشت.<sup>۳</sup> بنابراین عرف تابع سیره و سنت است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مانند زنده به گور کردن دختران، قربانی بر بت‌ها، طواف در حالت برهنه، و دگرگونی آداب معاشرت، ربا و رشوه و پرستش بت، و نوع نگاه به زن «إِذَا بَشَّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ» محدود کردن تعداد همسران به چهار تا که قبل از آن بیش از این بود.
۲. مثل پیمان جوان مردان، بیعت، وجود ماه‌های حرام (جنگ و خون‌ریزی ممنوع بود) و فای به عهد نک: تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۳۶۳ و بیهقی، دلائل النبوه، ج ۱، ص ۲۰۲ و طبقات ابن سعد، ج ۱، ص ۲۸۶.
۳. شیخ حر، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۷۲. عبدالله بن جعفر حمیری قمی (قرن سوم).